درس ٤٥

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) مکاشفه

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (مکاشفه ۸-۱۱) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (٥ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: یوحنا ١٦: ١٤

٤	تعلیم (٨٥ دقیقه) شیطان و جنگ روحانی

مقدمه: این درس در مورد شیطان و جنگ روحانی است. خدا به طور معمول از طریق عیسی مسیح، روح القدس، کتاب مقدس و مسیحیان کلیسا کار می‌کند. اما در شرایط خاص از طریق فرشتگان نیز عمل می‌کند. همه از کار خدا خوشحال و خوشنود نمی‌باشند. شریر و روحهای خبیث با خدا و کار او مخالفت می‌کنند و سعی در نابودی آن دارند. همچنین تعداد زیادی از مردمان شریر در این جهان عیسی مسیح را رد می‌کنند و با خدا و کار او مخالفت می‌کنند. در این درس، مطالبی درباره آنچه کتاب مقدس در مورد شیطان، سقوط او، هدف و نقشه و محدودیت‌های او تعلیم می‌دهد، خواهیم آموخت. نیز فرا خواهیم گرفت که مسیحیان در جنگ روحانی برعلیه شیطان چه باید انجام دهند. همچنین به ضمیمه‌های ۱ و ۲ در این کتاب مراجعه کنید.

الف - <u>شیطان و سقوط او</u>

۱ - <u>شیطان کیست؟</u>

بخوانید: مکاشفه ۱۲: ۱- ۹
کشف و گفتگو کنید: شیطان کیست؟
ملاحظات: کتاب مقدس همه آن چیزهایی را که دوست داریم بدانیم به ما نمی‌گوید. در مکاشفه فصل ۱۲، شیطان به عنوان یک اژدهای بزرگ سرخ گونه توصیف شده است. او بسیار قوی است. او همان فریبکار قدیمی‌در باغ عدن می‌باشد (پیدایش ۳: ۱-۵). او شریر نامیده شده است یعنی تهمت‌زننده و افترازننده به خدا و قوم او (مدعی). او همچنین شیطان نامیده شده است که به معنی دشمن خدا و قوم خدا می‌باشد. هدف او دوگانه است. در آیات ٤-٥ او در صدد جلوگیری از آمدن مسیحای موعود یعنی عیسی مسیح می‌باشد. این امر از همان ابتدای تاریخ آغاز شد (پیدایش ۳: ۱۵) و تا زمانی که او ظهور فرمود و سپس به حضور خدا و تخت او بالا برده شد (اعمال ۱: ۹) ادامه می‌یابد. در آیه ۹، شیطان به عنوان شخصی توصیف شده که باعث فریب و گمراهی تمام جهان می‌شود. نه مسیحیان بلکه تمام دنیای شریر است که با خدا و مسیح او مخالفت و ضدیت می‌کند.

۲ - <u>سقوط شیطان</u>

الف) <u>شیطان چگونه سقوط کرد؟</u>
بخوانید: حزقیال ۲۸: ۱۱-۱۹ ؛ اشعیا ١٤: ١٢-١٤ ؛ اول تیموتاؤس ۳: ٦
کشف و گفتگو کنید: چگونگی سقوط شیطان

ملاحظات: کتاب مقدس مستقیماً شرح سقوط شیطان را نقل نمی‌کند. بلکه سقوط او را فقط در قالب سقوط دو پادشاه قدرتمند تاریخ توصیف می‌کند.

۱) در اشعیا ۱٤: ۱۲-۱٤ سقوط شیطان در قالب سقوط پادشاه شریر بابل توصیف شده است. بابل پایتخت یک امپراطوری بزرگ بود که در عراق فعلی قرار داشت. برای قرنها پادشاهان بابل آرزوی حکومت بر کل جهان را در فکر می‌پروراندند. سقوط پادشاه بابل و امپراطوری او در قالب آنچه اشعیای نبی درباره سقوط شیطان وصف می‌کند، بیان شده است. همانند پادشاه بابل، شیطان نیز ستاره صبح نامیده شده است، چراکه این ستاره در صبح به زیبایی می‌درخشید و توجه هر شخصی را به خود جلب می‌کرد. اما او با تکبر می‌خواست در آسمان بر هر شخصی که بر روی زمین بر تخت نشسته سلطنت کند و خود را شبیه خدای قادر مطلق سازد. به دلیل خدا پنداشتن خویشتن و تمایل برای به چنگ آوردن و تصاحب چیزی که فقط متعلق به خدا بود، خدا او را از بالاترین آسمانها به زمین انداخت. پادشاه شریر بابل دنباله‌روی شیطان را کرد. او خوار و خفیف شده و از تخت خویش به پایین افتاد. پادشاه شریر بابل نمونه یا تصویری از ضد مسیح گردید.

۲) در حزقیال ۲۸: ۱۱-۱۹ سقوط شیطان در قالب سقوط پادشاه شریر صور توصیف شده است. صور برای قرنها پرآوازه‌ترین شهر تجاری فینیقیه بود که در لبنان امروزی واقع شده بود. صور بر چندین جزیره بنا شده بود و بسیار مجهز و مستحکم بود. این حکومت ناوگان بزرگی از کشتیهای تجاری داشت. حزقیال سقوط شیطان را در قالب سقوط نهایی پادشاه صور و پادشاهی او بیان داشته است. صور به دلیل فساد تجاری خود و خشونتش در جنگ سقوط کرد. پادشاه صور به این دلیل سقوط کرد که مغرور شده بود و حکمت خود را در راه فساد به‌کار می‌برد.
همانند پادشاه صور، شیطان در ابتدا بوسیله خدا خلق گردید تا یک فرشته نگهبان باشد. او حکیم و بسیار زیبا بود. او در حضور خدا و همچنین در باغ عدن حضور داشت. او تا پیش از آنکه در وی شرارت یافت شود، بی عیب و کامل بود. او به دلیل اهمیت دادن به زیبایی خود مغرور گردید، و به دلیل تکیه بر جلال و شکوه خود، حکمتش تباه گردید. در اول تیموتاؤس ۳: ٦ می‌خوانیم شیطان به دلیل غرورش تحت داوری خدا فرار گرفت . خدا با شخص مغرور مخالفت می‌کند (اول پطرس ٥: ٥) و به همین دلیل او را خارج از حضور خود در خشم و غضب رها کرد. خدا او را از مقامی که به‌عنوان فرشته‌ای والامقام داشت، خلع کرد و او را به زمین انداخت.

ب) <u>زمان سقوط شیطان</u>
بخوانید: پیدایش ۱: ۳۱ ، ۳: ۱
کشف و گفتگو کنید: شیطان چه وقت سقوط کرد؟
ملاحظات: در انتهای فصل اول کتاب پیدایش می‌خوانیم که :« خدا هرچه ساخته بود، دید و همانا بسیار نیکو بود». با وجود این، در پیدایش ۳ قبل از اینکه آدم و حوا مرتکب گناه شوند، می‌خوانیم که شیطان بصورت یک مار به آنها ظاهر شد و آنها را وسوسه کرد که به خدا شک کرده و از او نااطاعتی کنند. در آن زمان شیطان از قبل یک مخلوق سقوط کرده بود و با خدا و کار او مخالفت و دشمنی می‌کرد. بنابراین باید چنین نتیجه بگیریم که سقوط شیطان می‌باید در زمانی بین تکمیل شدن خلقت و وسوسه آدم و حوا در باغ عدن، اتفاق افتاده باشد.
بیش از این چیزی در مورد منشأ سقوط شیطان نمی‌دانیم.

ب - <u>هدف و نقشه شیطان</u>

۱ - <u>شیطان با خدا و قوم او ضدیت می‌کند.</u>

الف) <u>شیطان با خدا ضدیت می‌کند.</u>
بخوانید: پیدایش ۳: ۱-٥
کشف و گفتگو کنید: چگونه شیطان با خدا ضدیت می‌کند؟
ملاحظات: شیطان، دشمن خدا و قوم خداست. شیطان خدا را متهم به دروغگویی کرد. هدف شیطان این بود که آدم و حوا بیش از این به خدا اعتماد نکنند و از او اطاعت نکنند.

ب) <u>شیطان با عیسی مسیح ضدیت می‌کند.</u>
کشف و گفتگو کنید: شیطان از کدام سه روش برای وسوسه کردن عیسی استفاده کرد؟
بخوانید: لوقا ٤: ۱-۱۳
ملاحظات: شیطان عیسی را در طبیعت انسانی‌اش وسوسه کرد تا از خدا برگردد. شیطان بسیار واقعی و بسیار مکار است.

۱) <u>شیطان در اولین وسوسه خود، عیسی را وسوسه کرد که به خدا شک نماید.</u> او عیسی را در حوزه نیازهای اولیه انسانی یعنی غذا وسوسه کرد. بعد از ٤۰ روز روزه، عیسی گرسنه شد. شیطان عیسی را وسوسه کرد تا به خدا شک کند و بیش از این به نقشه و توانایی خدا اعتماد و اطمینان نکند و فکر نکند او می‌تواند او را به‌هنگام گرسنگی زنده نگاه دارد. او سعی کرد عیسی را وسوسه کند که رأساً اقدام کند و زمام امور را در دستهای خود بگیرد، و سنگها را تبدیل به نان کند و به این طریق به سرعت نیازهای خود را برطرف سازد. او سعی کرد عیسی را وسوسه کند که مستقل از خدا عمل کند. اما عیسی بر این وسوسه غالب شد.

۲) شیطان در دومین وسوسه‌اش، عیسی را وسوسه کرد که خدا را نادیده بینگارد و به او اعتماد کند. او عیسی را در حوزه قدرت وسوسه کرد. احتمالاً از طریق یک رؤیا، تمامی‌حکومت‌های جهان را به عیسی نشان داد. شیطان ادعا کرد او مالک تمامی‌حکومتهای زمین می‌باشد و بر آنها حکمرانی می‌کند و اگر عیسی او را عبادت کند، او را مالک و حاکم بر تمامی این حکومتها خواهد نمود و عیسی فوراً به عنوان پادشاه این جهان شناخته خواهد شد. شیطان دروغگوست (یوحنا ۸: ٤٤)، چرا که او هرگز مالک و حاکم این جهان نبوده (مزمور ۲: ۱-۱۲ ؛ اشعیا ١٤: ٢٤-٢٧). خدا از ابتدا تا انتها مالک این جهان می‌باشد. شیطان به عیسی پیشنهاد کرد که تمامی‌حکومتهای جهان و اقتدار بر آنها و لذت بردن از جلال و شکوه آنها را به او ببخشد؛ بدینسان، شیطان سعی کرد عیسی را در طبیعت انسانی‌اش وسوسه کند که بدون تحمل صلیب، تاج جلال را بدست آورد. شیطان سعی کرد عیسی را وسوسه کند که راهی کوتاهتر اختیار کند، و نقشه خدا را برای نابود ساختن اعمال شیطان (اول یوحنا ۳: ۸) و نجات جهان (یوحنا ۳: ۱۷) و نیل به مقام شاه شاهان (متی ۲۸: ۱۸ و مکاشفه ۱: ٥) نادیده بگیرد. اما عیسی بر این وسوسه نیز غالب آمد.

۳) شیطان در سومین وسوسه‌اش، عیسی را وسوسه کرد که به‌گونه‌ای نادرست به خدا و کلام او اعتماد کند. او عیسی را در حوزه امور فوق طبیعی وسوسه کرد. او سعی کرد عیسی را وسوسه کند که عملی خارق العاده و احساسی انجام دهد و خود را از عمارتی بلند به پایین بیفکند. شیطان حتی از قسمتی از کتاب مقدس نیز نقل قول کرد (مزمور ۹۱: ۱۱-۱۲)، اما کاملاً خارج از متن؛ او می‌کوشید عیسی را متقاعد سازد تا ایمانی اشتباه بر خدا داشته باشد. او سعی کرد عیسی را وسوسه کند که به جای ایمانی صحیح، گستاخی را پیشه کند، و به جای تسلیم به هدایت خدا، تکبر بی‌شرمانه را. او می‌خواست عیسی آزمایشی را در رابطه با خدا انجام دهد و خدا را بیازمایدکه آیا او واقعاً خداست و آیا کلام او واقعاً می‌تواند مورد اعتماد قرار گیرد. شیطان استدلال کرد که با پریدن از یک عمارت بلند، عیسی ثابت خواهد کرد که خدا وجود دارد و آنچه را که در کلامش وعده داده، انجام می‌دهد. او سعی کرد که عیسی اعتماد و اطمینانی نادرست اشتباه به خدا داشته باشد. اما عیسی بر این وسوسه نیز غالب شد. متی این قسمت را با بیان این نکته خاتمه می‌دهد که شیطان عیسی را ترک کرد، اما او منتظر موقعیت دیگری برای وسوسه کردن عیسی بود.

پ) شیطان با همه انسانها ضدیت می‌کند.
کشف و گفتگو کنید: چرا شیطان اینقدر با کتاب مقدس و پیام آن ضدیت میکند؟
بخوانید: لوقا ۸: ۱۱-۱۲
ملاحظات: در مثل برزگر در لوقا ۸: ۱۱-۱۲ عیسی مسیح هدف اصلی شیطان را شرح می‌دهد. او می‌گوید: «تخم کلام خداست و آنانی که در کنار راه هستند کسانی می‌باشند که چون می‌شنوند، فوراً ابلیس آمده کلام را در دلهای ایشان می‌رباید، مبادا ایمان آورده نجات یابند». هدف شیطان این است که تمامی‌کلمات کتاب مقدس را از مردم این جهان دور نگاه دارد. شیطان نمی‌خواهد که مردم این جهان به کتاب مقدس ایمان بیاورند و در نتیجه نجات یابند. او نمی‌خواهد که آنها دوباره متولد شوند و تبدیل به بهترین اشخاصی گردند که می‌توانند باشند. او نمی‌خواهد که آنها خدای کتاب مقدس را خدمت کنند و جلال دهند. شیطان با هر علم، فلسفه و مذهب در این جهان که با کتاب مقدس مخالفت می‌کند، همکاری می‌کند. او با قدرتش هر کاری را انجام می‌دهد که کتاب مقدس را نابود و تباه سازد یا انسانها را از شنیدن و خواندن، مطالعه کردن و اطاعت از کتاب مقدس دور نگاه دارد. او به انبیای دروغین الهام خواهد بخشید که تعلیم کتاب مقدس را تحریف کنند و آن را بی اعتبار سازند. همچنین موجب خواهد شد که رهبران شریر مانع شوند که مردم کتاب مقدس را در اختیار داشته باشند؛ یا ایشان را تحریك می‌کند تا کتاب مقدس را توقیف کنند. چرا شیطان از کتاب مقدس متنفر است؟ برای اینکه کتاب مقدس نشان می‌دهد که شیطان حقیقتاً کیست و محکومیت نهایی او را پیشگویی می‌کند. بنابراین وقتی شما کتاب مقدس را مطالعه، بررسی و اطاعت می‌کنید، با وجود تمام مخالفت‌های سیاسی و مذهبی، با شیطان ضدیت کرده، موجب خرسندی خدای زنده خواهید شد.

۲ - شیطان قلب و فکر انسانها را مورد حمله قرار می‌دهد

مقدمه: نقشه و ترفند شیطان این است که وجود درونی و شرایط بیرونی انسانها را مورد حمله قرار دهد. بر اساس افسسیان ٦: ١٦ تیرهای آتشین او عبارت است از حملات او به جسم و فکر و روح مسیحیان. بر اساس دوم تیموتاؤس ۲: ٢٦ او هر نوع دامی را می‌گستراند تا اگر انسانها مواظب نباشند در آنها بیفتند.
کشف و گفتگو کنید: کدام قسمتهای خاص درون انسانها را شیطان مورد حمله قرار می‌دهد؟ چرا این کار را انجام می‌دهد؟

الف) شیطان یک دروغگو است.
بخوانید: یوحنا ۸: ٤٤
ملاحظات: شیطان یک دروغگوست و پدر تمام دروغگویان جهان. او فکر انسانها را مورد حمله قرار می‌دهد. شیطان پشت هر دروغی است که مردم در این جهان می‌گویند یا به آن باور دارند. درباره دروغهای بسیاری که از طریق کتاب‌های آموزشی، رسانه‌های عمومی و بعضی رهبران سیاسی و وکلای دعاوی پخش می‌گردد فکر کنید. تنها راه مخالفت با گناه، شناخت حقیقت و تسلیم خویشتن به حقیقت می‌باشد (یوحنا ۸: ۳۱-۳٦ ، ۱۷: ۱۷).

ب) شیطان یک وسوسه گر است.
بخوانید: پیدایش ۳: ۱-۷
ملاحظات: شیطان یک وسوسه گر است. او اراده انسانها را مورد حمله قرار می‌دهد. شیطان اطاعت از اراده خدا را سست و تضعیف می‌کند و انسانها را وسوسه می‌کند که از خدا و کلام او که همان کتاب مقدس است، نااطاعتی کنند. زمانی که انسانها ذهن خود را به سوی توصیه ها و پیشنهادات دروغین شیطان باز می‌کنند، در اراده خود آسیب پذیر می‌گردند تا دچار تصمیم یا انتخابی اشتباه گردند. تنها راه مقابله و مخالفت با وسوسه های شیطان این است که خود را تسلم خدا (یعقوب ٤: ۷) و کلامش نمایند و به توصیه‌های دروغین شیطان به‌وسیله حقیقت کلام خدا به آن صورتی که در انجیل ثبت شده است، پاسخ دهند (متی ٤: ۱-۱۱)

.

پ) شیطان یک تهمت‌زننده (مدعی) می‌باشد
بخوانید: مکاشفه ۱۲: ۱۰
ملاحظات: شیطان یک تهمت زننده می‌باشد. او وجدان انسانها را مورد حمله قرار می‌دهد. نقشه و تدبیر شیطان این است که ابتدا انسانها را وسوسه به انجام گناه کند و سپس فوراً بر ضد آنان قد علم می‌کند و ایشان را در حضور خدا متهم می‌نماید. از آنجایی که عیسی برای تمام گناهان مسیحیان حقیقی مرد، اتهامات شیطان بر ضد آنها دارای ارزش و اعتبار نمی‌باشد (عبرانیان ۸: ۱۲). با وجود این، شیطان به متهم ساختن مسیحیان حقیقی ادامه خواهد داد، چرا که می‌خواهد آنها اسیر احساس تقصیر کاذب یا ترس از مجازات باشند. تنها راه مقابله و ایستادگی در برابر اتهامات دروغین شیطان، تأئید و تصدیق مجدد این حقیقت است که عیسی برای گناهان شما مرد و اینکه به خدمت به عیسی مسیح از طریق شهادت دادن و زندگیتان ادامه دهید (مکاشفه ۱۲: ۱۱).

ت) شیطان حکمران و ارباب برده ها می‌باشد
بخوانید: عبرانیان ۲: ١٤-١٥
ملاحظات: شیطان ارباب برده ها می‌باشد. او احساس انسانها را مورد حمله قرار می‌دهد. او انسانها را به واسطه ترسشان از مرگ در بردگی و بندگی نگاه می‌دارد. از آنجایی که قلب انسانهای بسیاری از ترس مرگ و مردگان پر است، شروع به پرستش روحهای مردگان، اجرای انواع مراسم در قبرها یا زیارت قبر رهبران روحانی مرده خویش می‌نمایند. تنها محبت کامل عیسی مسیح است که ترس را دور می‌نماید (اول یوحنا ٤: ۱۷-۱۸).

ث) شیطان فاسد و غیر اخلاقی است.
بخوانید: اول قرنتیان ۷: ٥
ملاحظات: شیطان موجودی فاسد و غیر اخلاقی است. او ارزشهای اخلاقی انسانها را مورد حمله قرار می‌دهد. او سعی می‌کند انسانها را وسوسه کند که مرتکب فساد و بی بندو باری جنسی گردند، خصوصاً زمانی که خویشتن‌داری خود را از دست می‌دهند. فساد و بی بندو باری جنسی همیشه از فکر آغاز می‌شود. تنها راه مقابله با فساد و بی‌بند و باری جنسی، قطع فوری افکار غیر اخلاقی در ذهن و اجازه دادن به عیسی مسیح است که هر فکری را در ذهن شما اسیر می‌سازد و آن را مطیع خود و معیارهای اخلاقی خویش نماید، معیارهایی که در کتاب‌مقدس آمده است (دوم قرنتیان ۱۰: ٥).

ج) شیطان یک فریبکار است.
بخوانید: دوم قرنتیان ٤: ۳-٤ ؛ ۱۱: ۳- ٤ ؛ اول تیموتاؤس ٤: ۱-۳
ملاحظات: شیطان یک فریبکار است. او ایمان مسیحیان را مورد حمله قرار می‌دهد. او به سختی تلاش می‌کند که غیرمسیحیان را از ایمان مسیحی دور نگاه دارد و سعی می‌کند که افکار مسیحیان را از وقف صادقانه و خالص به عیسی مسیح منحرف سازد. او سعی می‌کند که آنها عیسی دیگر، روح القدس دیگر و انجیل دیگری را بپذیرند. او پایه گزار تعالیم غلط و مذاهب دروغین می‌باشد. او تعالیم غلط ودروغهای خود را در هر جا منتشر می‌سازد و باعث می‌گردد بعضی از مردم که در ابتدا با مسیحیان هم عقیده بودند، ایمان حقیقی را رها کنند و باعث شوند که اشخاص بسیار دیگری نیز از تعالیم دروغین فلاسفه و مذاهب جهان پیروی کنند.

در تمام این طریق‌هایی که در بالا به آنها اشاره شد, شیطان ذهن انسانها را به‌طور خاص با دروغ، اتهامات کاذب، ترس از مرگ، افکار فاسد اخلاقی و تعالیم غلط مورد حمله قرار می‌دهد. اگرچه شیطان تحریک‌کننده و اغواکننده به بدی و شرارت می‌باشد، اما باز هم خودِ شخص مسؤول است که در برابر حملات شیطان چگونه عکس العمل یا واکنش نشان می‌دهد. همچنین جهان شریر و طبیعت گناه آلود درونی انسان، عوامل دیگری برای اغوای انسان به شرارت و بدی می‌باشند. مسیحیان از حملات شیطان، جهان شریر و طبیعت گناه آلود خود، معاف و مستثنی نمی‌باشند.

۳ - <u>شیطان از طریق شرایط بیرونی انسانها را مورد حمله قرار می‌دهد</u>

کشف و گفتگو کنید: کدام شرایط بیرونی خاص را شیطان برای حمله به انسانها مورد استفاده قرار می‌دهد؟
ملاحظات: شیطان از روشهای مختلف و متفاوت به انسانها حمله می‌کند.

الف) شیطان دام می‌گستراند.
بخوانید: اول تیموتاؤس ۳: ۷ ؛ دوم تیموتاؤس ۲: ۲۳-۲۶
شیطان دامهایی می‌گستراند تا انسانها به دام او بیفتند، یا به عبارت دیگر زیر سلطه و قدرت او قرار گیرند. اگر یک مسیحی جوان و بی‌تجربه برای پیر کلیسا شدن انتخاب شود، ممکن است دچار غرور و خودبزرگ‌بینی گردد و حتی فکر کند که می‌تواند با این بی‌تجربه بودن یا حتی رفتار اشتباه جان سالم به در برد. شیطان همچنین در حوزه علم و فلسفه و مذهب دامهای خاصی می‌گستراند تا انسانها اراده شریر او را انجام دهند.

ب) شیطان معجزات را جعل می‌کند.
بخوانید: دوم تسالونیکیان ۲: ۹-۱۰ ؛ مکاشفه ۱۳: ۱۳
شیطان معجزات را جعل می‌کند تا بی‌ایمانان را فریب دهد تا دروغهای او را باور کنند. او انبیا و نبیه‌های کاذب را قدرت می‌بخشد که معجزات دروغین انجام دهند. به این طریق بسیاری از غیر مسیحیان را از عیسی مسیح دور نگه می‌دارد تا به هلاکت برسند.

پ) شیطان وانمود می‌کند که یک فرشته است.
بخوانید: دوم قرنتیان ۱۱: ۱۳-۱۵
شیطان خود را به شباهت فرشته نور درمی‌آورد و وانمود می‌کند که خدمتگزار عدالت می‌باشد. بنابراین جای تعجب نیست که خادمین او (انبیای کاذب و مذاهب دروغین) نیز تظاهر کنند که خادمین عدالت می‌باشند و برای اینکه به دیگران ثابت کنند که احتیاج به عیسی مسیح ندارند، اعمال نیک انجام می‌دهند.

ت) شیطان به کلیسا نفوذ می‌کند.
بخوانید: متی ۱۳: ۳۷-۴۱
شیطان به کلیسا نیز نفوذ می‌کند. او مسیحیان دروغین و همچنین مردم بدکار را در میان مسیحیان در کلیسا قرار می‌دهد. روز داوری آشکارا نشان خواهد داد که چه کسانی مسیحیان حقیقی و چه کسانی مسیحیان دروغین بودند.

ث) شیطان مانع خدمتگزاران مسیح می‌گردد.
بخوانید: اول تسالونیکیان ۲: ۱۷-۱۸ و ۳: ۵
شیطان برای مدت زمانی مانع ورود پیام‌آوران حقیقی عیسی مسیح برای اعلام پیام انجیل به کشورهای خاصی می‌گردد. اما سرانجام نمی‌تواند مانع ورود پیام مسیح به چنین مکان‌هایی گردد. شیطان همچنین سعی می‌کند تلاشهای خدمتگزاران مسیحی را بی ثمر و عبث گرداند. او حتی مردم را بر می‌انگیزد تا به مسیحیان جفا رسانند و آنها را مجبور سازند که دست از ایمانشان به عیسی مسیح بکشند. یا رهبران سیاسی و مذهبی را بر می‌انگیزد که با دادن هدایای گرانقیمت (رشوه) آنها را از کلیسا دور نگاه دارند و به مذهب خودشان ملحق سازند.

ج) شیطان به مسیحیان جفا می‌رساند.
بخوانید: لوقا ۲۲: ۳۱-۳۲ ؛ مکاشفه ۲: ۱۰
شیطان به مسیحیان جفا می‌رساند. او بعضی از مسیحیان را در معرض تجربیات سخت و شدید قرار می‌دهد یا آنها را به زندان می‌اندازد تا اینکه باعث افتادن و دور شدن آنها از ایمان گردد.

چ) شیطان محرک هرج و مرج و بی قانونی است.
بخوانید: یوحنا ۸: ۴۴ ؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۹
شیطان از طریق عرضه کردن و ترویج دادن و تحمیل کردن بی‌قانونی در هر جامعه‌ای، با آرامش و صلح و نظم و تربیت مخالفت می‌کند. او قاتل نامیده شده است، چرا که او لذت می‌برد از اینکه مردم دچار تنفر گردند و یکدیگر را بکشند. او هر نوع بی‌قانونی را در میان رهبران سیاسی، وکلا، قضات، پلیس و سایر رهبران اجتماع اشاعه می‌دهد. همچنین باعث می‌گردد که والدین و مددکاران اجتماعی، از قوانین خدا در کتاب مقدس دور گردند. او کوشش بسیاری به عمل می‌آورد تا ده فرمان را از خاطر انسانها پاک نماید. شیطان با قوانین اخلاقی خدا که آن را در کتاب مقدس آشکار نموده است، ضدیت می‌کند، چراکه این قوانین مخالف قانون شکنان، متمردان، خدانشناسان و گناهکاران، خبیثان (ناپاکان) و بی خدایان، قاتلان، زناکاران، منحرفان جنسی، برده‌فروشان، دروغگویان، قسم‌دروغ خوران و مرتکبین هر عمل بد دیگری است که بر خلاف تعلیم صحیح مسیح می‌باشد، تعلیمی که در انجیل و در کتاب مقدس آشکار شده است (اول تیموتاؤس ۱: ۸-۱۱).

ح) شیطان در جستجوی فرصتی برای حمله و نابود کردن می‌باشد.
بخوانید: اول پطرس ۵: ۸ ؛ افسسیان ۶: ۱۶
این قسمتها نقشه و خط مشی شیطان را خلاصه می‌کنند. شیطان همیشه در اطراف مسیحیان گردش می‌کند و منتظر فرصتی برای حمله به آنها و نابود کردنشان می‌باشد. او مانند اشخاص ترسو، خصوصاً به مسیحیانی حمله می‌کند که هنوز در ایمانشان

قوی و راسخ نگشته اند، یا پرهیزکار و مواظب نمی‌باشند. شیطان دائماً تیرهای آتشین به سوی همه مسیحیان پرتاب می‌کند. این تیرهای آتشین بیان کننده جفاها و انواع صدمات بیرونی و مخصوصاً انواع حملات به روح و جان مسیحیان می‌باشد. این تیرهای سوزان از یک طرف شامل انواع افکار و احساسات منفی، از قبیل شکها، تشویش‌ها و احساس تقصیر می‌باشد؛ و از طرف دیگر شامل انواع افکار و احساسات شریرانه، از قبیل شهوت، حرص، تکبر، غرور و حسد. بنابراین پولس از مسیحیان می‌خواهد که اسلحه کامل خدا را بپوشند تا بتوانند در برابر دسیسه ها و حملات شیطان بایستند. هر مسیحی مسؤول است که به چه نحوی در مقابل تیرهای آتشین شیطان واکنش نشان می‌دهد.

پ - محدودیت های شیطان

۱ - شیطان محدود است.

کشف و گفتگو کنید: محدودیت های شیطان چیست؟
ملاحظات: شیطان نیز یک مخلوق است، بنابراین این کاملاً تحت اقتدار و قدرت خدا قرار دارد.
الف) شیطان محدود به انجام کارهایی است که اجازه‌اش را می‌یابد.
بخوانید: ایوب ۱: ٦-۲۲ ؛ ۲: ۱-۱۰
در تمام دوران عهد عتیق، همیشه شیطان در قدرت محدود به آن چیزی بوده است که خدای مطلق و متعالی کتاب‌مقدس به او اجازه انجام آن را می‌داد. برای مثال در کتاب ایوب، به شیطان اجازه داده شد که قدرت داشته باشد تا مردم را تحریک کند تا فرزندان و خدمتکاران ایوب را بکشد و تمام دارایی او را نابود سازد. به این طریق قصد و نیت و ماهیت وجودی شیطان به وضوح برای همه مردم آشکار گردید. شیطان قاتل و ویرانگر است. اما هرگز نمی‌تواند فراتر از آنچه خدا به او اجازه داد آسیب برساند. به‌هنگام آمدن اولیه عیسی مسیح بیش از ۲۰۰۰ سال قبل، شیطان محبوس گردید تا نتواند بیش از این امتها را فریب دهد. او دقیقاً تا قبل از بازگشت مسیح در حبس می‌ماند.

ب) شیطان در آنچه دارد و بر آنچه نفوذ دارد محدود است.
بخوانید: پیدایش ۳: ۱۵ ؛ مزمور ۲ ؛ متی ۱۱: ۲۷ ، ۲۸: ۱۸ ؛ افسسیان ۱: ۲۰-۲۳
بر اساس لوقا ٤: ٥-٦ و اول یوحنا ٥: ۱۹. بعضی می‌گویند که شیطان مالک تمام دنیای حاضر است و تا به آن حد آن را کنترل می‌کند که می‌تواند آن را به هر کسی که می‌خواهد بدهد. اگرچه شیطان خود را مالکِ برحق این جهان و حاکم بر همه چیز در این جهان نشان می‌دهد، اما عیسی فرمود که او یک دروغگوست (یوحنا ۸: ٤٤). چنین اشاراتی در کتاب مقدسی مسلماً بیانگر آن نیست که شیطان مالک و حاکم اصلی ملت‌ها می‌باشد و این حق و این امکان را دارد که آنطور که دوست دارد از آنان و ثروتشان بهره بگیرد، طوری که گویی عیسی مسیح، حداقل در طول این دوره زمان حاضر باید نفر دوم باشد . همانگونه که در بخشهای متعدد کتاب‌مقدس آمده، درست خلاف این امر صادق است. نه شیطان، بلکه عیسی مسیح مالک و حاکم واقعی این جهان است.

پ) شیطان در قدرت محدود است.
بخوانید: متی ۸: ١٦ ؛ اعمال ١٦: ١٦-۱۸ ؛ رومیان ١٦: ۲۰ ؛ مکاشفه ۱۲: ۷-۹ , ۲۰: ۱-۳
اگرچه شیطان هنوز نفوذ بسیار شرارت‌بار زیادی بر زندگی اشخاص شریر و روح‌هایی که او را ارباب خود می‌شناسند دارد، اما قادر مطلق نمی‌باشد. روحهای شریر او دائماً بوسیله مسیح و مسیحیان اخراج می‌شوند. کتاب‌مقدس می‌فرماید که او بوسیله رئیس فرشتگان، میکائیل از آسمان بیرون رانده شده است؛ در جایی دیگر نیز گفته شده که او بوسیله یک فرشته در روی زمین محبوس گشته است تا دیگر بیش از این نتواند ملت‌ها را فریب دهد. بنابراین کسی که مستقیماً در مقابل شیطان می‌ایستد، هرگز آن خدایی نیست که خود را در عیسی مسیح آشکار کرد، بلکه فقط رئیس فرشتگان، میکائیل می‌باشد.
خدا کاملاً با شیطان متفاوت است. او به گونه‌ای غیر قابل مقایسه از شیطان برتر می‌باشد. خدا، خدای دانای مطلق، قادر مطلق و حاضر مطلق می‌باشد، اما شیطان این چنین نیست. علاوه بر این وسیله اعمال فشار شیطان بر قومهای روی زمین بوسیله عیسی مسیح شکسته شده است (کولسیان ۱: ۱۳). با وجود اینکه در اصل شیطان دشمنی است که قبلاً شکست خورده، اما آشکار است که خدا هنوز او را از صحنه زمینی بر نداشته است. شیطان هنوز نفوذ بسیار قدرتمندی را برای شرارت بکار می‌گیرد. او فقط در روز بازگشت عیسی مسیح، در داوری نهایی از صحنه زمینی برداشته می‌شود.

۲ - شیطان بسته شده است.

الف) عیسی مسیح بوسیله جسم یافتن خود شروع به بستن شیطان کرد.
کشف و گفتگو کنید: عهد جدید در مورد محدود شدن شیطان در طول جسم یافتن عیسی چه تعلیمی‌می‌دهد؟
ملاحظات: عیسی مسیح با جسم یافتن خود از زمان آمدنش به زمین بیش از ۲۰۰۰ سال پیش شروع به بستن و محدود کردن شیطان نمود.

۱) **بخوانید:** عبرانیان ۲: ۱٤ ؛ اول یوحنا ۳: ۸ ؛ متی ۱۲: ۲۸. دلیل ظهور عیسی مسیح بر روی زمین در طبیعت انسانی، این بود که «صاحب قدرت موت یعنی ابلیس را تباه سازد» و «اعمال ابلیس را باطل سازد». «تباه سازد» به معنی «کاهش دادن اهمیت و نفوذ» می‌باشد. عیسی مسیح در تمام طول دوران بشریت خود (جسم یافتن)، بر شیطان و روحهای شریر او قدرت و اقتدار داشت و روحهای شریر را بوسیله روح القدس اخراج می‌کرد. شیطان قادر نیست بیش از آنچه که مسیح اجازه می‌دهد، کاری به‌انجام برساند.

۲) **بخوانید:** لوقا ۱۰: ۱۸-۲۰. عیسی همچنین به خدمتگزاران خود قدرت و اقتدار بخشید. در لوقا ۱۰: ۱۸-۲۰ عیسی می‌فرماید: «شیطان را دیدم که چون برق از آسمان می‌افتد. اینک شما را قوت می‌بخشم که ماران و عقربها و تمامی‌قوت دشمن را پایمال کنید و چیزی به شما ضرر هرگز نخواهد رساند. ولی از این شادی مکنید که ارواح اطاعت شما کنند، بلکه بیشتر شاد باشید که نامهای شما در آسمان مرقوم است». منظور عیسی این بود در حالی که شاگردان روحهای شریر را از مردم اخراج می‌کردند، مسیح دید که ارباب این روحهای شریر یعنی شیطان از موضع و جایگاه قدرت خویش به این جهان سقوط کرد. سقوط و افتادن شیطان «چون برق» بود، ناگهانی و تکان‌دهنده، چراکه شاگردان انتظار این پیروزی و حتی شاید شیطان هم انتظار شکست خود را نداشت. کاری که با جسم یافتن عیسی مسیح آغاز شد تا بازگشت مبارك او ادامه خواهد یافت؛ در آن زمان است که شیطان بطور نهایی شکست خورده، به جهنم انداخته خواهد شد.

ب) <u>عیسی مسیح بستن شیطان را بوسیله مرگ، قیام، صعود و بر تخت نشستن خود کامل کرد.</u>

کشف و گفتگو کنید: تعلیم عهد جدید در مورد بستن و محدود شدن شیطان بوسیله مرگ، قیام، صعود و بر تخت نشستن عیسی چیست؟

ملاحظات: عیسی مسیح بستن و محدود کردن شیطان را بوسیله مرگ، قیام، صعود و بر تخت نشستن خود در آسمان کامل کرد.

۱) **بخوانید:** مکاشفه ۱۲: ۱- ۹ . یوحنا پیروزی عیسی مسیح را برشیطان به زبان مکاشفه ای بیان می‌کند. در دوران عهد عتیق، شیطان سعی می‌کرد که نسل و سلسله مسیحایی را نابود سازد تا به این صورت مانع تولد مسیح موعود گردد (مکاشفه ۱۲: ۱-٤). زمانی که بالاخره مسیح موعود یعنی عیسی ناصری متولد شد، به حضور خدا و تختش ربوده شد (مکاشفه ۱۲: ٥). این ربوده شدن یک تصویر مکاشفه ای از مرگ و قیام و صعود و بر تخت نشستن عیسی مسیح در پایان آمدن اول او می‌باشد. در تصویر مکاشفه‌ای، اژدها و فرشتگان شریرش به دنبال او به سوی آسمان یورش بردند تا وی را بگیرند، اما رئیس فرشتگان میکائیل و لشکر فرشتگان نیکو به آنها حمله کردند و آنها را از آسمان به زیر افکندند (مکاشفه ۱۲: ۷-۹). این جنگ بین فرشتگان و شریران در «آسمان» به وقوع پیوست. منظور از آسمان مکان سکونت خدا نیست، بلکه بالای جو می‌باشد. از آنجایی که می‌تواند بیش از یک «آسمان» وجود داشته باشد (دوم قرنتیان ۱۲: ۲)، فرشتگان در بالاترین آسمان، جایی که خدا حضور دارد، سکونت دارند (متی ۲۲: ۳۰ ؛ مکاشفه ۱۸: ۱) و شریران در پایین‌ترین آسمان یعنی در فضا یا جو اطراف زمین (لوقا ۱۰: ۱۸ و اول قرنتیان ۸: ٥ و افسسیان ۲: ۲ , ٦: ۱۲). با وجود این، این جنگ در آسمان و به زیر انداخته شدن اژدها و ارواح شریر او را نباید بطور تحت‌اللفظی یا لغوی برداشت کرد، بلکه بصورت مجازی (تمثیلی یا استعاری). بطور تحت‌اللفظی شیطان جایگاه خود را در آسمان به عنوان مدعی یا متهم‌کننده مسیحیان از دست داد (ایوب ۱: ٦-۱۲). از آنجا که گناهان مسیحیان کفاره شده است و مسیحیان از سلطه و حاکمیت شیطان آزاد شده اند (کولسیان ۱: ۱۳)، شیطان هرگونه برحق بودن ظاهری برای اتهاماتش علیه مسیحیان را از دست داد. اگرچه او به متهم ساختن مسیحیان ادامه می‌دهد، اما دیگر نمی‌تواند به کار تمام نشده عیسی مسیح اشاره کند.

۲) **بخوانید:** مکاشفه ۲۰: ۱-۳. این قسمت همان واقعه مکاشفه ۱۲: ۷-۹ را شرح می‌دهد، یعنی «بستن شیطان». دقیقاً همان واژه یونانی «بستن» (محکم بستن، محدود کردن) در متی ۱۲: ۲۹ بکار رفته است. بستن شیطان به معنی تنزل دادن شیطان به یک موقعیت و جایگاه ناتوانی و عجز کامل نمی‌باشد، بلکه به جایگاه و موقعیتی که دیگر شیطان بیش از این نمی‌تواند «امتها را گمراه کند»، یعنی اینکه شیطان دیگر قادر نخواهد بود که مانع شنیدن پیام خوش انجیل توسط امتها و بازگشت آنان به سوی مسیح گردد. همچنین شیطان دیگر قادر نخواهد بود که امتها را برای جنگ برعلیه قوم خدا جمع کند. زبان استعاری اغلب در زبان مکاشفه‌ای کتاب مکاشفه به‌کار می‌رود. «بستن شیطان» نیز یک زبان مجازی است که بیانگر محدود شدن واقعی شیطان در حوزه نفوذ او می‌باشد. این بدین معنا نیست که شیطان مطلقاً نمی‌تواند به مردم صدمه ای برساند، چرا که بقیه عهد جدید (بعد از متی ۱۲: ۲۹) نشان می‌دهد که او هنوز نفوذ و تأثیر شریرانه زیادی دارد. برای مثال، مکاشفه فصل ۱۳ و ۱۷ (بعد از مکاشفه ۱۲: ۷-۹) نشان می‌دهد که شیطان هنوز تأثیر و نفوذ زیادی بر شرارت از طریق عوامل خود، و ضد مسیح و انبیای کاذب و فاحشه بزرگ دارد. شیطان بسته می ماند تا خبر خوش انجیل در تمام زمین منتشر می گردد (متی ۲٤: ۱٤) و تمام مسیحیانی که مرده‌اند با یکدیگر و با عیسی مسیح در آسمان در تمام دوران بین آمدن اول و دوم او سلطنت می کنند (مکاشفه ۲۰: ٤-٦). دقیقاً قبل از آمدن ثانویه مسیح، شیطان از زندان خود آزاد خواهد شد. سپس «جنگی نهایی» (مکاشفه ۱٦: ۱٤، ۱٦ ، ۱۷: ۱٤ ، ۱۹: ۱۷-۲۱ ، ۲۰: ۷-۱۰) بین شیطان و مسیح به‌هنگام بازگشت او درگیر خواهد شد؛ آنگاه شیطان به جهنم انداخته خواهد شد, جایی که تا ابد عذاب خواهد کشید (مکاشفه ۲۰: ۷-۱۰).

۳ - <u>شیطان دائماً بسته می ماند.</u>

الف) <u>عیسی مسیح دائماً شیطان را بوسیله خدمت رسالتی جهانی و بشارتی مسیحیان، می‌بندد</u>

کشف و گفتگو کنید: عهد جدید چه تعلیمی در مورد تداوم بسته شدن شیطان می‌دهد؟

۱) **بخوانید:** در متی ۱۲: ۲۹-۳۰ ، عیسی مسیح می‌فرماید: « چگونه کسی بتواند در خانه شخصی زورآور در آید و اسباب او را غارت کند، مگر آنکه اول آن زورآور را ببندد و پس خانه او را تاراج کند». عیسی شیطان را همچون « شخصی زورآور» در نظر می‌گیرد. عیسی مسیح نه تنها به کار خود در بستن شیطان اشاره می‌کند، بلکه به کار مداوم خود در بستن شیطان از طریق همکاران مسیحی خود نیز اشاره می‌نماید. بوسیله دعای آنها، و موعظه و تعلیم انجیل (دوم تیموتاؤس ۲: ۲۴-۲۶)، مسیحیان دائماً شیطان را می‌بندند و او را از انسانهایی که قبلاً بر آنها تسلط داشت، محروم و بی بهره می‌گردانند. در این جنگ میان مسیح و شیطان، بی طرف بودن غیر ممکن است. تمام مسیحیانی که مردم را از طریق خدمت رسالتی و بشارتی در ملکوت خدا جمع می‌کنند، با مسیح هستند و تمام اشخاصی که دیگران را در گمراهی شان و همچون طعمه ساده برای شیطان رها می‌کنند مخالف مسیح هستند (متی ۱۲: ۳۰).

۲) **بخوانید:** در یوحنا ۱۲: ۳۱-۳۲ عیسی می‌فرماید: « الحال داوری این جهان است و الآن رئیس این جهان بیرون افکنده می‌شود و من اگر از زمین بلند کرده شوم، همه را به سوی خود خواهم کشید ». مسیح شیطان را به عنوان رئیس این جهان در نظر می‌گیرد. «این جهان » در این متن اشاره به کل کره زمین همراه با اشخاص روی آن نمی‌کند، بلکه فقط به کل اجتماعی از مردم شریر که از خدا بیگانه شده اند و اشخاصی که با عیسی مسیح مخالفت ورزیدند و او را رد کردند و به او خیانت کردند و او را محکوم نمودند (یوحنا ۱۵: ۱۸-۲۵). « رئیس » دلالت بر این امر دارد که شیطان قدرت خاصی را بکار می‌گیرد، اما چون او شاه شاهان نیست، قدرت او محدود است به مردم شریر و روح های شریری که به او اعلام وفاداری کرده‌اند. زمانی که عیسی از « بلند کرده » شدنش سخن می‌گوید، به رویداد تاریخی مصلوب شدنش بر صلیب، قیامش از مردگان، صعودش به آسمان و بر تخت نشستن او در دست راست خدای پدر در آسمان اشاره می‌نماید. در مکاشفه ۱۲: ۵ این « بلند کرده شدن » به صورت « ربوده شدن » به تصویر کشیده شده است.

۳) **بخوانید:** مکاشفه ۱۲: ۱۰-۱۷ . عیسی شیطان را همچون «اژدها» در نظر می‌گیرد. شیطان « آن زن » را که تصویری ازکلیسای مسیح است، تعقیب می‌کند، اما کلیسا از حمله کاملاً مستقیم و مرگ‌آور او در امان می‌ماند (مکاشفه ۱۲: ٦ , ۱۳: ۱٤). شیطان سعی می‌کند کلیسا را با یورش پایان ناپذیر دروغهایش احاطه کند، اما کلیسا فریب نمی‌خورد و مسیح کلیسا را کمک می‌نماید (مکاشفه ۱۲: ۱۵-۱٦). بنابراین شیطان حملات خود را بر « ذریت آن زن » که مسیحیان می‌باشند, متمرکز می‌کند (مکاشفه ۱۲: ۱۷). اما این مسیحیان « بوساطت خون بره» بر شیطان غالب آمده اند و به عبارت دیگر آنها باور دارند که از یک طرف مرگ و قیام مسیح شیطان را بسته، و از طرف دیگر آنها را کاملاً از گناه و تسلط شیطان آزاد کرده است. مسیحیان « بوساطت کلام شهادت خود » بر شیطان غالب آمده اند. به عبارت دیگر، آنها با خدمت رسالتی و بشارتی خود بر او غالب آمده‌اند؛ این خدمت سبب می‌شود که شیطان مردمی را که قبلاً تحت سلطه او بودند، از دست بدهد (کولسیان ۱: ۱۳). و مسیحیان بوساطت این حقیقت که از مرگ برای مسیح ترس ندارند بر شیطان غالب شده اند (مکاشفه ۱۲: ۱۱).

مرگ و قیام و صعود و بر تخت نشستن عیسی مسیح وقایعی تاریخی می‌باشند. اول، این وقایع منجر به «داوری جهان شریر» می‌شوند که شیطان بر آن حکومت می‌کند. دوم، منجر به « بیرون افکنده شدن رئیس این جهان » می‌شوند. موقعیت نسبتاً بالایی که شیطان ممکن است قبل از آمدن مسیح داشته باشد، برای همیشه از دست می‌رود. شیطان بوسیله کار نجات کامل عیسی مسیح و شهادت مسیحیان، سلطه خود را بر ملت‌های جهان از دست داده است. به این دلیل است که وقتی خداوند عیسی مردم را از همه امت‌های جهان به سوی خود می‌کشد (یوحنا ۱۲: ۳۲)، در همان زمان است که بوسیله او شیطان از تسلط و کنترل خود بر این امتها بیرون رانده می‌شود (یوحنا ۱۲: ۳۱).

ب) <u>در نهایت عیسی مسیح شیطان را از صحنه زمین برخواهد داشت.</u>

کشف و گفتگو کنید: عهد جدید در مورد برداشته شدن نهایی شیطان از صحنه زمین چه تعلیمی می‌دهد؟

بخوانید: مکاشفه ۲۰: ۷-۱۵

ملاحظات: اگرچه در اصل شیطان دشمنی است که قبلاً بسته شده، اما آشکار است که خدا هنوز او را از صحنه زمین بر نداشته است. براساس مکاشفه ۲۰: ۷-۱۵ این امر در روز داوری نهایی به‌هنگام آمدن دوم مسیح روی خواهد داد. در آن زمان عیسی مسیح او را برای همیشه به جهنم خواهد انداخت.

ت - <u>جنگ برعلیه شیطان</u>

بخوانید: افسسیان ٦: ۱۰-۱۸

۱ - <u>مسیحیان درگیر یک جنگ روحانی می‌باشند.</u>

تعلیم دهید: جنگ روحانی چیست؟

الف) <u>جنگ روحانی، جنگ برعلیه انسانها نیست.</u>

کتاب مقدس می‌گوید جنگ مسیحیان با خون و جسم نیست، بلکه در واقع برعلیه قدرتهای روحانی شریر می‌باشد (افسسیان ٦: ۱۲). مسیحیان چیزی به‌نام جنگ مقدس برعلیه انسانها ندارند، بلکه جنگ ایشان روحانی است و برعلیه روح‌های شریر.

«ریاستها، قدرتها و جهان داران» انواع مختلف روح‌های شریری هستند که تحت کنترل شیطان قرار دارند و از طریق مردم شریر در این جهان عمل می‌کنند. این روح‌های شریر، همانند خود شیطان، فرشتگان سقوط کرده هستند. به این دلیل است که شیطان و روح‌های شریر او مخالف خدای زنده هستند و امروزه سعی می‌کنند کار خدا را درمیان مردم خراب نمایند. همچنین به این دلیل است که نیروهای سیاسی شریر در جهان اغلب با سایر مذاهب موافق هستند، اما با ایمان مسیحی بسیار مخالف. عیسی فرمود: «پادشاهی من از این جهان نیست. اگر پادشاهی من از این جهان می‌بود، خدام من جنگ می‌کردند تا به یهود تسلیم نشوم. لیکن اکنون پادشاهی من از این جهان نیست» (یوحنا ۱۸: ۳٦). به این دلیل است که مسیحیان واقعی هرگز جنگ مقدس بر علیه انسانها ندارند.

ب) جنگ روحانی، جنگ با سلاح های انسانی نیست.
جنگ روحانی، جنگی جدی برعلیه نقشه‌ها و فعالیت های شیطان و روحهای شریر او می‌باشد (دوم قرنتیان ۲: ۱۱). جنگ روحانی هرگز بوسیله سلاح های انسانی نمی‌تواند انجام گیرد، بلکه فقط با سلاح های روحانی. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که «زیرا هر چند در جسم رفتار می‌کنیم، ولی به قانون جسمی‌جنگ نمی‌نمائیم. زیرا اسلحه جنگ ما جسمانی نیست، بلکه نزد خدا قادر است برای انهدام قلعه ها که خیالات و هر بلندی را که خود را به خلاف معرفت خدا می‌افرازد، به زیر می‌افکنیم و هر فکری را به اطاعت مسیح اسیر می‌سازیم» (دوم قرنتیان ۱۰: ۳-۵). مسیحیان جنگ روحانی را با پوشیدن اسلحه روحانی انجام می‌دهند (افسسیان ٦: ۱۰-۱۸).

پ) جنگ روحانی، جنگی با اتکا و اعتماد به انسانها نیست.
جنگ روحانی را هرگز نمی‌توان با اعتماد و تکیه بر قدرت، پول و نقشه های بعضی از رهبران شریر انجام داد، بلکه فقط می‌توان با اعتماد کامل به خدای کتاب مقدس جنگید که خودش را در عیسی مسیح آشکار نمود. هدف جنگ روحانی هرگز تسخیر سرزمین های بیشتر یا کنترل این جهان نیست، بلکه استقامت و ایستادگی علی‌رغم حملات شیطان و روحهای شریر او (افسسیان ٦: ۱۳). هدف جنگ روحانی همچنین بیرون آوردن مردم از تسلط و حاکمیت شیطان، روحهای شریر و مردم شریر می‌باشد (کولسیان ۱: ۱۳ و دوم تیموتاؤس ۲: ۲٦).

۲ - مسیحیان می‌باید کاملاً برای این جنگ روحانی آماده باشند

کشف و گفتگو کنید: هر قسمت از اسلحه روحانی بیان‌کننده چه چیزی است؟
ملاحظات:
الف) کمربند راستی
کمربند راستی عبارت است از عزم راسخ صادقانه سرباز در جنگ روحانی، و بیانگر «صداقت» وی نسبت به جنگ روحانی و بیانگر «راستی» خدا می‌باشد که با آن با دروغ ها مقابله می‌کند. یک مسیحی می‌گوید: «من صادقانه مصمم هستم در جنگ روحانی برعلیه شیطان و روحهای شریر او بجنگم ». او همچنین می‌گوید: «من مصمم هستم با راستی خدا برعلیه دروغها و فریب او بجنگم ». همانند جدعون و سیصد سربازانش، احتمال اینکه یک شخص صادق بر سایر افراد تأثیر بگذارد بسیار بیشتر از یک شخص ریاکار است.

ب) جوشن عدالت
جوشن عدالت عبارت است از توانایی سرباز برای جنگیدن در جنگ روحانی و بیان‌کننده « کار آیی » او در جنگ روحانی می‌باشد. یک مسیحی می‌گوید: «من مصمم هستم که یک زندگی عادلانه داشته باشم که مرا قادر می‌سازد بطور مؤثر وارد جنگ روحانی شوم». "عادل بودن" به معنی داشتن رابطه صحیح با خدا و زندگی کردن به روش صحیح می‌باشد که عبارت است از زندگی کردن بر اساس طریق خدا که در کتاب مقدس آشکار شده است. تنها یک شخص عادل است که می‌تواند تأثیر خوب و ماندنی داشته باشد. شخص عادل، همانند نوح، به راه رفتن با خدا در میان نسلی شریر ادامه می‌دهد.

پ) نعلین استعداد انجیل
این عبارت است از توانایی سرباز برای عمل کردن آنی در جنگ روحانی و بیان‌کننده « آمادگی و اشتیاق » او برای جنگ روحانی می‌باشد. فرد مسیحی می‌گوید: «من کاملاً مهیا هستم و آماده‌ام تا فوراً وارد جنگ روحانی شوم». او مصمم است که به خواب نرود. همانند آن ناظر امین و دانا که اربابش او را مسؤول خدمتکاران خود کرد تا در وقتش به آنها جیره غذایی را بدهد، اربابش زمانی که برگشت او را در حال انجام وظیفه اش دید (لوقا ۱۲: ٤۲-٤۳).

ت) سپر ایمان
سپر ایمان عبارت است از توانایی سرباز برای دفاع از خود در جنگ روحانی و بیان‌کننده « ایمان به وعده های خدا» می‌باشد زمانی که او وارد جنگ روحانی می‌گردد. فرد مسیحی می‌گوید: «من مصمم هستم از خود در برابر حملات شیطان محافظت کنم. تیرهای آتشین شیطان بیان‌کننده جفاها و آزارهای اوست که هدفشان ایجاد شک، سؤظن، ترس، اضطراب، طمع، تکبر،

حسادت یا شهوت در فکر و قلب مسیحیان می‌باشد. ایمان مسیحی در عمل اعتماد می‌کند که کلام و وعده های خدا راست است و بر اساس این اعتماد عمل می‌کند.

ث) کلاه خود نجات
کلاه خود نجات عبارت است از توانایی سرباز در محافظت کردن از افکار و احساسات خود در جنگ روحانی و بیان‌کننده «اعتماد او به نجات خدا» در جنگ روحانی و اعتمادش به پیروزی نهایی می‌باشد. فرد مسیحی می‌گوید: «من مصمم هستم که از فکر و افکار خود با وعده‌های خدا برعلیه حملات شیطان محافظت نمایم». او این حقیقت را درک می‌کند که خود خدا برای او می‌جنگد (خروج ١٤: ١٤)، و زمانی که از آب و آتش می‌گذرد خدا با او خواهد بود (اشعیا ٤٣: ٢)، و اینکه خدا او را از جفاها و زحمات می‌رهاند (دوم تیموتاؤس ٣: ١١). این امر سرباز مسیحی را به اندازه لازم قوی می‌گرداند تا به جنگ ادامه دهد. اعتماد به اینکه خدا که کار نیکو را در شخص مسیحی آغاز کرد، آن را تا به آخرکامل خواهد کرد (فیلیپیان ١: ٦)، او را قوی می‌گرداند تا در جنگ استقامت و ایستادگی نشان دهد.

ج) شمشیر روح
شمشیر روح عبارت است از وسیله و روش سرباز برای غلبه بر وسوسه ها و دامهای شیطان در طول جنگ روحانی و بیان‌کننده «قدرت پیروز شدن » در جنگ روحانی می‌باشد. شمشیر روح همان کلمات کتاب‌مقدس است که در موقعیتهای مختلف زندگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. فرد مسیحی می‌گوید: «من مصمم هستم از کلام خدا در تمام نبردهای خود در جنگ روحانی استفاده کنم». تا هنگامی‌که شخص مسیحی از کلام خدا درست استفاده می‌کند، روح القدس کلمات کتاب مقدس را برای آشکار کردن گناه مردم (افسسیان ٥: ١١)، متقاعد کردن آنها به اینکه مقصر هستند (یوحنا ١٦: ٨)، رد کردن دلایل آنها بر ضد حقیقت (تیطس ١: ٩) ، مجاب کردن آنها به راستی خدا (اعمال ١٧: ٢-٤)، برداشتن شک های ایشان (یوحنا ٢٠: ٢٧-٣١) دور کردن ترس های آنها (متی ١٤: ٢٧-٣٠) ، فراری دادن شیطان (متی ٤: ١-١١) و روشن کردن طریقی که در آن باید گام بردارند (مزمور ١١٩: ١٠٥)، استفاده می‌کند.

چ) دعا به عنوان بخشی از جنگ روحانی
دعا توانایی سرباز برای حفظ رابطه مستقیم با خدا در طول جنگ روحانی می‌باشد و بیان‌کننده « وابستگی و اتکا » او به خدا در طول جنگ روحانی می‌باشد. فرد مسیحی می‌گوید: «من مصمم هستم که در طول جنگ روحانی به خدا متکی بمانم» از طریق دعا، خدا مشکلات انسان را تبدیل به فرصتهای الهی می‌گرداند.

٥	**دعا (٨ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

٦	**تکلیف منزل (٢ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

١ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
٢ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " شیطان و جنگ روحانی" را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
٣ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از مکاشفه ١٢-١٤ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب یا روش طرح پرسش استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ١٧: ١٥) را حفظ کنید. هر روز آخرین ٥ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
٥ - بررسی کتاب‌مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ٢١) را در خانه آماده کنید. از روش ٥ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
٦ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ٥: ٣).
٧ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.